تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۳/۱۸
تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۹/۱۲

فرشته کیاوش[۱]، محمدتقی آشوری[۲]

نقش عوامل فرهنگی بر تحول لباس زنان از سلطنت ناصرالدین‌شاه تا پایان دوره قاجار

چکیده

مقاله حاضر پژوهشی کیفی و مطالعه موردی است که با هدف آشنایی با عوامل تأثیرگذار بر تغییر رمزگان فرهنگی در دوره قاجار و شناسایی تحولات در زمینه لباس زنان این عصر به‌مثابه یکی از مظاهر فرهنگی انجام‌گرفته است. از این‌رو با استفاده از نظریه تغییر فرهنگی روبرت وِسنو، در پی پاسخ به این پرسش است که از عصر ناصرالدین‌شاه (۱۳۱۳-۱۲۶۴ق) به بعد چه تحولاتی در لباس زنان قاجار ایجاد گردید و چه عواملی این تغییرات را تعیین نمودند؟ در این پژوهش گردآوری اطلاعات به شیوه اسنادی-کتابخانه‌ای و روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی است. بر اساس نتایج حاصله، دو رویداد تاریخی؛ حکومت ناصرالدین‌شاه و انقلاب مشروطه به‌مثابه نقاط عطفی هستند که رمزگان فرهنگی، ازجمله لباس زنان قاجار را دستخوش تغییرات اساسی ساختند. می‌توان گفت، حرکت به‌سوی نوگرایی، ملی‌گرایی با دو گرایش باستان‌گرایی و غرب‌گرایی را به چالشی مهم برای جامعه آن‌وقت بدل ساخت که درنهایت به هژمونی ملی‌گرایی غرب‌گرا و رواج کامل لباس اروپاییان در میان زنان قاجار در دوران احمدشاه انجامید. نخست ناصرالدین‌شاه که خود از حامیان اصلی مدرنیته بود و پس از آن انقلاب مشروطه به زنان مجالی داد که در مقایسه خود با زنان غربی نیازهایشان را مطرح کنند و پوشش نیز از این قاعده مستثنا نبود. نخستین تغییرات پوشش که از ابداع شلیته و چادر کمری به‌جای دامن‌های بلند و چادر نماز شروع شده بود، در پایان دوره قاجار جای خود را به انواع پیراهن و کت و دامن‌های زنانه‌ای داد که از پوشاک زنان اروپایی تقلید شده بود.

کلیدواژه‌ها: نوگرایی، رمزگان فرهنگی، لباس زنان، مشروطه، ناصرالدین‌شاه

---

۱. دانشجوی دکتری پژوهش هنر دانشگاه هنر، عضو هیئت‌علمی دانشگاه علم و فرهنگ تهران (نویسنده مسئول)

E-mail: kiafar2009@gmail.co

۲. استاد دانشگاه هنر تهران

E-mail: taghi.ashouri@gmail.com

*این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دکتری نگارنده اول با عنوان «تأثیر ملی‌گرایی بر پوشش و آرایه‌های زنان قاجار» است که با راهنمایی دکتر محمدتقی آشوری در دانشگاه هنر انجام یافته است.

مقدمه

شکست ایران در جنگ با روسیه (نیمه اول قرن ۱۳ق)، مقدمه‌ای برای ورود ایران به دنیای مدرن شد. پس از این شکست، حکام قاجار به عقب‌ماندگی خود نسبت به کشورهای اروپایی واقف شدند و اقدامات مدرنیزاسیون آغاز گردید. روشنفکران ایرانی بر این عقیده بودند که «ایران باید ظاهراً، باطناً، جسماً و روحاً فرنگی‌مآب شود» (گودرزی، ۱۳۸۰: ۱۰). در زمان حکومت ناصرالدین‌شاه حرکت به‌سوی مدرنیته شدت گرفت و سیاست مدرن‌سازی ایران و جنبش‌های تجددخواهی که از زمان عباس‌میرزا آغاز شده بود، گسترش و انسجام بیشتری پیدا کرد که پیرو آن ساختار سنتی جامعه ایرانی دچار چالش شد. این مواجهه منجر به پیدایی پدیده اجتماعی و فرهنگی جدیدی که با نام‌های غرب‌گرایی، فرهنگ غربی، تجددگرایی یا مدرنیته گردید که بسترهای جدیدی را در جامعه ایرانی به وجود آورد. عواملی چون اعزام دانشجو به اروپا، تأسیس مدارس جدید، تجارت با خارجیان، اعزام و پذیرش سفرا و نمایندگان رسمی و غیررسمی و شکل‌گیری انقلاب مشروطه زمینه‌سازِ فضایی اجتماعی و فرهنگی بود که در آن ساختار جدیدی در لباس و ظاهر زنان به وجود آمد. تاریخ قاجار بر اساس تحولات اجتماعی در حوزه لباس را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد: ۱. از شروع سلطنت آقا محمدخان تا پایان سلطنت فتحعلی‌شاه، ۲. از حکومت محمدشاه تا پایان سلطنت ناصرالدین‌شاه و ۳. مقارن با حکومت مظفرالدین‌شاه تا پایان سلسله قاجار. با توجه به این‌که در دوره فتحعلی‌شاه بنا به خواست او، احیای فرهنگ باستان در همه ابعاد فرهنگی بسیار برجسته بود و لباس‌ها به پیروی از تاریخ ایران باستان بلند و پوشیده و تمام قامت بودند، عمده تحولات در حوزه پوشاک از دوره دوم قاجار به وقوع پیوست و تغییرات ساختاری اساسی که ناشی از بازتاب مدرنیته بود به پوشش زنان راه پیدا کرد و در دوره سوم مُد غرب، سلطه خود را بر زندگی زنان اعمال کرد. از این‌رو در پژوهش حاضر، تحولات در پوشاک زنان و بازتاب مدرنیته بر تغییرات حاصل از آن با تمرکز بر دوره دوم به بعد موردمطالعه و بررسی قرار گرفته است.

مقاله حاضر، پژوهشی کیفی و از نظر نوع تحقیق، مطالعه موردی است و برای پاسخ به پرسش‌هایش از نظریه جدید فرهنگ روبرت وسنو استفاده کرده است. انتخاب نمونه‌ها، به روش هدفمند و شاخص انجام‌شده و پوشاک زنان درباری به‌عنوان جامعه آماری موردمطالعه قرار گرفته است. این‌که مدرنیزاسیون و نوگرایی به‌عنوان یکی از چالش‌های اساسی در دوره قاجار چه تأثیری بر پوشاک زنان در این دوره برجای گذاشت و چه عواملی این تغییرات را تعیین نمودند، پرسش‌هایی است که مقاله حاضر در صدد پاسخگویی به آن است. بدین منظور، پس از اشاره کوتاه به پیشینه تحقیق و مبانی نظری، به تحولات جامعه ایرانی در دوره قاجار و پیامدهای اجتماعی که به شکل‌گیری رمزگان فرهنگی جدید منجر گردید، پرداخته شده است.

پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر مطالعات گسترده‌ای در حوزه تاریخ پوشاک ایرانیان خصوصاً دوران

قاجـار صـورت گرفتـه کـه می‌تـوان بـه پوشـاک و زیـورآلات بانـوان دوره قاجـار نوشـته شـیرین نجمـی وپوشـاک دوره قاجـار نوشـته سـهیلا شهشـهانی اشـاره کـرد. مطالعـه تطبیقی پوشـاک بانـوان قبـل و بعـد از سـفر ناصرالدین‌شـاه بـه فرنـگ (مطالعـه مـوردی: لبـاس سـنتی و لبـاس تجـدد بانـوان) نوشـته مانـا ابـاذری و حبیـب‌الله طیبـی و تأثیـر تحـولات اجتماعـی و فرهنگـی دوره مشـروطه بـر تن‌پـوش مردمـان عصـر قاجـار نوشـته زهـرا رهبرنیـا و پریسـا نیک‌جـری مقالاتـی هسـتند کـه پوشـش زنـان عهـد قاجـار را موردبررسـی قـرار داده‌انـد. سـفرنامه‌های اروپاییـان منابـع تقریبـاً مسـتندی هسـتند کـه در آن‌هـا از دیـدگاه نویسـندگان، لبـاس زنـان قاجـاری شـرح داده‌شـده اسـت. وجـه تمایـز پژوهـش حاضـر بـا مطالعـات پیشـین در ایـن اسـت کـه مطالعـه تغییـرات پوشـاک زنـان در دوره قاجـار بـا رویکـرد بـه نظریـه تغییـر فرهنگـی روبـرت وسـنو در حـوزه جامعه‌شناسـی انجام‌شـده اسـت.

چارچوب نظری

یکـی از بنیادی‌تریـن مسـائلی کـه روبـرت وسـنو –از نظریه‌پـردازان نظریـه تغییـر فرهنگـی جدیـد– در نظریـه خـود مطـرح می‌سـازد، آن اسـت کـه چگونـه تغییـر در شـرایط محیطـی منجر بـه تغییـر فرهنگـی می‌شـود. وسـنو خـود در پاسـخ بـه ایـن مسـئله در اجتماعـات گفتمانـی، ایـن اسـتدلال را مطـرح می‌سـازد کـه مهم‌تریـن مکانیسـم واسـط میـان تغییـر در شـرایط محیطـی و تغییـر در فرهنـگ، بافت‌هـای نهـادی هسـتند کـه محصـولات فرهنگـی در آن‌هـا تولیـد و توزیـع می‌شـوند و مشـروعیت می‌یابنـد. وسـنو در دیگـر اثـر خـود بـا عنـوان معنـا و نظـم اخلاقـی، مهم‌تریـن مکانیسـم واسـط میـان سـاختار اجتماعـی و فرهنـگ را «نظـم اخلاقـی» بیـان می‌کنـد. بـه اعتقـاد او ایدئولوژی‌هـا، شـعائر و مناسـک اجتماعـی و محصـولات هنـری مرکـب از نمادهایـی هسـتند کـه بـه بیـان چیـزی دربـاره نظـم اخلاقـی یـا فرهنگـی می‌پردازنـد. از ایـن‌رو معتقـد اسـت هنگامی‌کـه تغییـرات اجتماعـی باعـث ایجـاد تغییـر در نظـم اخلاقـی جامعـه می‌شـوند، ایدئولوژی‌هـا، مناسـک اجتماعـی و نظام‌هـای هنـری نیـز از ایـن تغییـرات تأثیـر می‌پذیرنـد و تحـول می‌یابنـد و ایـن جنبش‌هـای هنـری جدیـد، مناسـک جدیـد و نظام‌هـای فکـری جدیـد در شـرایطی کـه نظـم اخلاقـی جامعـه دچـار بی‌ثباتـی و عـدم قطعیـت شـده اسـت، تولیـد می‌شـوند. نظـم اخلاقـی شـامل اسـت از ۱. نظامـی سـاختارمند از رمـزگان فرهنگـی، ۲. مجموعـه‌ای از شـعائر، سـبک‌های هنـری و ایدئولوژی‌هـا کـه بـه نمایشـی کـردن نظـم اخلاقـی جامعـه می‌پردازنـد و ۳. نهادهایـی کـه منابـع لازم بـرای تولیـد و حفـظ رمـزگان فرهنگـی و هنرهـا، شـعائر و ایدئولوژی‌هـای نماینـده آن را فراهـم می‌آورنـد (Wuthnow,1987: 66-96). وسـنو معتقـد اسـت هنگامی‌کـه نظـم اخلاقـی جامعـه دچـار بی‌ثباتـی و عـدم قطعیـت گـردد، فرآینـد نـوآوری فرهنگـی تشـدید می‌شـود. مـدل نظـری وسـنو بـرای تبییـن تغییـر فرهنگـی مفاهیـم شـرایط محیطـی، بافت‌هـای نهـادی، افـق اجتماعـی، قلمـرو گفتمانـی و کنـش نمادیـن را مطـرح می‌کنـد. در نظریـه وسـنو، مفهـوم «شـرایط محیطـی» اشـاره بـه «شـرایط اجتماعـی، فرهنگـی، سیاسـی و اقتصـادی عـام هـر یـک از دوره‌هـای تغییـر فرهنگـی» دارد (Wuthnow,1989,6). کـه مجمـوع شـرایط اقتصـادی، سیاسـی، تکنولوژی‌هـای ارتباطـی از قبیـل حمـل و نقـل آبـی، خدمـات پسـتی، چـاپ، کتاب‌فروشـی‌ها یـا رسـانه‌های الکترونیکـی و منابـع فرهنگـی از قبیـل زبـان مشـترک، باسـوادی، سـنت‌های مذهبـی و قومـی و غیـره را شـامل

می‌شـود (مهرآییـن، ۱۳۸۶: ۲۴۰-۲۳۹).
«بافت‌هـا یـا زمینه‌هـای نهـادی بی‌واسـطه‌ترین موقعیت‌هـا و محیط‌هـای تولیـد فرهنـگ هسـتند کـه منابـع مزبـور در درون آن‌هـا سـاخت و قالـب می‌یابنـد. مانند مـدارس و دانشـگاه‌ها، کلیسـاها، انجمن‌هـا و محافـل مطالعـه، آکادمی‌هـای علمـی، روزنامه‌هـا، کارگـزاران حکومتـی و احـزاب سیاسـی ازجملـه بافت‌هـای نهـادی مـورد نظـر هسـتند. در ایـن بافت‌هـای نهـادی اسـت کـه تولیدکننـدگان فرهنـگ بـه منابـع لازم بـرای تولیـد فرهنگـی دسـت می‌یابنـد، در ارتبـاط و پیونـد بـا مخاطبانشـان قـرار می‌گیرنـد» (Wuthnow,1989: 7). مفهـوم «افـق اجتماعـی» اشـاره بـه «ویژگی‌هـا، مؤلفه‌هـا و مشـخصات زمینـه اجتماعـی عینـی و ملموسـی دارد کـه یـک جنبـش فرهنگـی در آن تولیـد، انتخـاب و نهادینـه می‌شـود» (Ibid,9). «قلمـرو گفتمانـی اشـاره بـه فضـا یـا سـاختار نمادیـن درون خـود محصـولات فرهنگـی دارد و «کنـش نمادیـن» اشـاره بـه رفتارهـا، شـیوه‌های تفکـر، یـا چهره‌هـا و شـخصیت‌های نمونـه و معرفـی دارد کـه فضـای درونـی یـک قلمـرو گفتمانـی را اشـغال می‌کننـد و بـر مبنـای ویژگی‌هـای سـاختاری آن قلمـرو گفتمانـی تعریـف می‌شـوند» (Ibid,13).

نوگرایی و تحولات اجتماعی دوره قاجار

دوران حکومـت ناصرالدین‌شـاه و انقـلاب مشـروطه، به‌مثابـه دو نقطـه عطـف تاریخـی بـه تحـولات اساسـی در حـوزه فرهنـگ و پوشـش زنـان قاجـار منجـر شـد. اهمیـت دوران ناصرالدین‌شـاه به‌واسـطه طولانـی بـودن مـدت پادشـاهی و اسـتقبال او از مظاهـر مدرنیسـم و اهمیـت انقـلاب مشـروطه بـه دلیـل تأثیـر فراوانـی کـه در اندیشـه، فرهنـگ و پوشـش زنـان به‌عنـوان یـک رمـزگان فرهنگـی مهـم داشـت، قابل‌توجـه اسـت. تحـولات در غالـب زمینه‌هـای سیاسـی، اجتماعـی، فرهنگـی شـرایط ایـران در دوره قاجـار را بـه دوران گـذار تبدیـل کـرد. داریـوش شـایگان دوره گـذار را دوره فتـرت، دوره نـه ایـن و نـه آن تعریـف کـرده اسـت. ایـن دوره، دوره بیگانگـی اسـت، بیگانگـی از آن جهـت کـه شـیفتگی مـا بـه غـرب و فلـج ذهنـی مـا در مقابـل فرآورده‌هـای خیره‌کننـده آن، تذکـری را کـه مسـتلزم تفکـر سـنتی مـا بـوده و مـا را، بـه قـول حکمـای اسـلامی، بـه مشـکوه النـوار نبـوت راهبـر بـوده اسـت، از میـان می‌بـرد، از ایـن‌رو، راه مـا هـم بـه کانـون تفکـر غربـی بسـته اسـت و هـم بـه کانـون تجلیـات خاطـره قومـی (شـایگان، ۱۳۸۶: ۸۷). اگرچـه پیش‌درآمـد ایـن تغییـرات زیرسـاختی در دوره شـاهان قبلـی قاجـار شـکل گرفـت لکـن اوج آن بـه دوره حکومـت ناصرالدین‌شـاه و اتفاقـات مهمـی کـه در ایـن مقطـع زمانـی بـه وقـوع پیوسـت، برمی‌گـردد و مقدمـه شـکل‌گیری جنبش‌هـای سیاسـی و اجتماعـی بـرای کسـب هدف‌هـای ملـی و تحقـق اراده ملـی در ایـن دوره آغـاز شـد. عهـد ناصـری، دوره فرنـگ سـتایی و در مقابـل شـروع اندیشـه‌های تقابل‌گرایانـه بـا ایـن نگـرش (فرنگ‌سـتیزی) اسـت کـه در دوره بعـد شـدت گرفـت و درنهایـت بـه اندیشـه‌های ملی‌گرایانـه و یکـی از مهم‌تریـن رویدادهـای تاریخـی ایران-انقـلاب مشـروطه- ختـم شـد.

اندیشـه ملی‌گرایـی یـا ناسیونالیسـتی یکـی از مصادیـق دنیـای مـدرن غربـی بـود کـه بـه تحولاتـی در حـوزه فرهنـگ انجامیـد و به‌تبـع آن ذهـن و اندیشـه متفکـران ایرانـی را بـه خـود مشـغول داشـت و درنهایـت بـه تکویـن گفتمـان ملی‌گرایـی یـا ناسیونالیسـم انجامیـد، «اندیشـه ناسیونالیسـم در ایـران کـه نـگاه ملیت‌گـرا، میهن‌دوسـتانه و هویت‌گرایانـه را دنبـال می‌کـرد

بـا میـرزا فتحعلـی آخونـدزاده شـکل گرفـت. در ایـن زمـان اندیشـه ناسیونالیسـتی جهت‌هـای متنوعـی بـه خـود گرفـت؛ برخـی بـر باسـتان‌گرایی تأکیـد داشـتند و هویـت باسـتانی را به‌عنوان هویـت اصیـل ایرانـی تلقـی می‌کردنـد ماننـد تاریخ‌نویسـی باسـتان‌گرا و ناسیونالیسـتی کـه بـا میـرزا آقاخـان کرمانـی بـه اوج رسـید» (قدیمی‌قیـداری، ۱۳۹۱: ۹۰). از نـگاه ایشـان، تاریـخ ایـران باسـتان نمـادی از ملیـت اصیـل ایرانـی محسـوب می‌شـد. ایـن گـروه از ملی‌گرایـان در پـی احیـای عناصـر سـازنده هویـت تاریخـی و ملـی بودنـد و آن را در گذشـته باسـتانی ایـران می‌جسـتند. عـدم وفـاداری بـه تاریـخ و آئیـن اسـلام، تعییـن نقـش زن در سـاختارهای اجتماعـی و ارزش‌گـذاری بـرای زنـان و بیگانه‌سـتیزی ازجملـه ویژگی‌هـای ایـن بینـش بـود. ایـن افـکار نواندیشـانه کـه سرمشـق متفکریـن ایـن دوره بـود بن‌مایه‌هـای اصلـی بیانیـه مشـروطه را فراهـم کـرد کـه متعاقـب آن زنـان از آزادی‌هـای مدنـی مثال‌زدنـی ازجملـه تأسـیس مـدارس، تشـکیل انجمن‌هـای زنانـه و نشـریات مخصـوص بـه زنـان برخـوردار شـدند. امـا در کنـار ملی‌گرایـی باسـتان‌گرا، رویکردهایـی بـا گرایـش بـه غرب‌گرایـی نیـز وجـود داشـت کـه از حامیـان اصلـی ایـن گرایـش را می‌تـوان ناصرالدین‌شـاه دانسـت.

سـفر پادشـاهان قاجـار بـه اروپـا از دیگـر عوامـل مؤثـر در تحـولات دوره قاجـار بـود، به‌طوری‌کـه می‌تـوان گفـت ره‌آورد سـفر ناصرالدین‌شـاه حرکـت به‌سـوی مدرنیتـه و سیاسـت مدرنیزاسـیون در ایـران بـود. سـفرهای مظفرالدیـن شـاه نیـز بهـای گزافـی بـرای ایـران بـه همـراه داشـت و نتیجـه آن شـد کـه اندیشـه و سـبک زندگـی اروپاییـان، به‌واسـطه حضـور پررنـگ و فعالیت‌هـای سیاسـی - تجـاری آن‌هـا، نقـش جدی‌تـری در زندگـی ایرانیـان پیـدا کنـد. «شـاه شـیفته اروپایی‌هـا و سـیاحت بـه دیـار آن‌هـا بـود و مظاهـر تمـدن اروپایـی را دوسـت می‌داشـت و از این‌کـه بازارهـای کشـور از منسـوجات و لباس‌هـای اروپایـی اشـباع شـود نیـز مضطـرب نمی‌شـد» (شـریعت‌پناهی، ۱۳۷۲: ۱۸۱). در چنیـن شـرایطی تجـار اروپایـی و ورود اجنـاس غربـی توسـط آن‌هـا موجـب آشـنایی زنـان دربـار بـا اروپـا شـد و در رواج مدهـای اروپـا در دربـار نقـش داشـت. از سـویی بـا راه‌یابـی تعـداد زیـادی از اروپایی‌هـا بـه ادارات دولتـی و گمرک‌خانـه، نـوع و سـبک پوشـش آنـان مـورد تقلیـد ایرانیـان قـرار گرفـت. همچنیـن «بـا احـداث هـر مدرسـه، در فرهنـگ دانش‌آمـوزان دختـر و پسـر تحولـی رخ مـی‌داد و اولیـن نتیجـه ایـن دگرگونـی فرهنگـی، تغییـر لبـاس دانش‌آمـوزان بـود» (همـان: ۱۸۹) تأسـیس مـدارس جدیـد کـه ابتـدا توسـط مبلغـان (میسـیونرهای) مذهبـی اروپایـی و آمریکایـی شـکل‌گرفته بـود دریچـه‌ای بـرای ترویـج فرهنـگ اروپایـی ابتـدا بـه اقلیت‌هـای مذهبـی و سـپس بـه دانش‌آمـوزان مرفـه مسـلمان شـد. خانـم سـمیه کحـال کـه مؤسـس اولیـن نشـریه زنـان در دوران قاجـار بـود خـود نـزد میسـیونرهای آمریکایـی کـه در ایـران بـه امـور خیریـه می‌پرداختنـد بـه تحصیـل پرداخـت، در تصویـری کـه موجـود اسـت لبـاس کامـلاً اروپایـی بـر تـن وی اسـت کـه بـه تأثیـر مـدارس و انجمن‌هـای میسـیونری برمی‌گـردد چراکـه هریـک از ایـن مـدارس بنـا بـر فرهنـگ خـود، اونیفـورم مخصوصـی را بـرای دانش‌آمـوزان تعریـف می‌کردنـد. (تصویـر ۱) «در مدارسـی کـه بعدهـا بـرای دانش‌آمـوزان دختـر ایرانـی تأسـیس شـد اطلاعـات و اخبـاری از فعالیت‌هـای زنـان اروپایـی آن زمـان بـه دختـران ایرانـی داده می‌شـد کـه دهان‌به‌دهـان در محافـل خانوادگـی، مسـاجد و حمام‌هـای عمومـی تکـرار می‌شـد» (رسـتمی، ۱۳۷۹: ۵۱).

تصویر ۱: خانم دکتر کحال همراه با پسرش در دفتر کار روزنامه دانش (کریمیان، ۱۳۹۱: ۶۷).

تحولات فرهنگی در عرصه جایگاه اجتماعی و پوشش زنان قاجار پس از انقلاب مشروطه

مشروطیت را می‌توان نقطه عطفی در نظر گرفت که سنت‌ها را در تقابل با مدرنیسم و نوگرایی قرارداد، تضاد فرهنگی را به اوج خود رساند و به تقابل فرهنگ سنتی که شامل روحانیون و نهاد روحانیت بودند، با روشنفکران مشروطه‌خواه و بعضی از درباریان مقابل یکدیگر انجامید، چراکه روشنفکران، حجاب و پرده‌نشینی زنان را بزرگ‌ترین مانع علیه نوسازی جامعه می‌دانستند. از پیامدهای مهم مشروطه اصلاح نقش زنان و حضور بیشترشان در جامعه بود، مانند حضور زنان در تظاهرات واقعه ۱۳۲۹ق که ایران بین دول روس و انگلیس تقسیم شد- که به نشانه اعتراض، نقاب‌های خود را دریدند (ناهید، ۱۳۶۰، ۹۶-۹۷). پس از انقلاب مشروطه زنان توانستند به آزادی‌های مدنی دست یابند و به‌تدریج نشریات و انجمن‌هایی مخصوص به زنان شکل گرفت و مقوله «حجاب» به یکی از دغدغه‌های مهم زنان فعال در این دوره تبدیل شد (جدول ۱). به‌مرور بر تعداد نشریات افزوده شد و نشریاتی که روشنفکران حامی آنان بودند روزبه‌روز بیشتر به مسائل زنان می‌پرداختند، به‌طوری‌که در ماهنامه یغما در مورد زنان به‌صراحت مطالبی نوشته شد که تا پیش از آن در جامعه سنتی به زنان این‌گونه اهمیت داده نمی‌شد: «باید زنان ما پا به‌پای مردان پیشرفت کنند و دوش‌به‌دوش یکدیگر راه تحول

و تکامل زندگی را طی نمایند» (یغما، ۱۳۲۷ق، س۱، ش۴: ۳). نشریه جهان زنان در یکی از شماره‌های خود به حجاب می‌تازد و آن را مایه تمسخر زنان می‌داند و می‌نویسد: «[...] اگر بخواهیم حجاب را از موهومات برداشته، حقیقت را جلوه داده، زنان خویش را از این حالت رقت‌انگیز امروزه که باعث تمسخر اجانب و حتی خودمان می‌باشد خلاصی دهیم، می‌توانیم» (جهان‌زنان، مهر، ۱۳۰۰، ش۲: ۲) (جدول ۲) از این دوران به بعد، زنان با مقایسه خود با زنان غربی نیازهایشان را مطرح کردند و برای اولین بار به‌عنوان نقشی هرچند درجه دوم به عرصه اجتماع گام نهادند که می‌توان به حضور بیشتر زنان در جامعه، ایجاد تشکل‌های اجتماعی و مدارس ازجمله فعالیت‌های جدی زنان پس از مشروطه اشاره کرد.

جدول ۱: انجمن‌های زنان در دوره قاجار (مأخذ: نگارندگان)

نام انجمن	سال تأسیس	مؤسس	فعالیت‌ها	حوزه فعالیت
انجمن حریت (آزادی) زنان	۱۳۲۵ق /۱۹۰۷ م	شماری از روشنفکران مرد و زن (ساریان،۱۳۸۴:۶۲)	تمرکز بر روی شرایط زنان فرودست-ترویج پارچه‌های وطنی	سامان‌دهی حضور زنان در جامعه، معاشرت اجتماعی و علاقه‌مندسازی آنان به مسائل اجتماعی
انجمن همت خواتین	۱۳۲۷ ق /۱۹۱۰م	مریم عمید سمنانی ملقب به مزین‌السلطنه	مرامنامه: طرز لباس پوشیدن-لباس دوختن-صرفه جویی	تحریم پارچه‌های وارداتی و ترویج منسوجات وطنی
انجمن مخدرات وطن	۱۳۲۸ ق / ۱۹۰۹م	صبیه اعتمادالحکما، آقا بیگم	سازمان‌دهی فعالیت‌های عام‌المنفعه مربوط به زنان و دختران، تحریم کالاهای خارجی و توزیع منسوجات وطنی	دفاع از استقلال کشور-جلوگیری از خرید کالاهای اجنبی-تبلیغ کالای داخلی، مخالفت با وام‌گیری خارجی (بامداد،۱۳۵۲:۳۸)
انجمن نسوان وطن‌خواه	۱۳۴۲ ق /۱۹۲۳م	محترم اسکندری	تأسیس مدرسه اکابر-ترویج پارچه‌های وطنی-همکاری با سازمان‌های مدافع حقوق زنان در دیگر کشورها-ارائه لایحه به مجلس شورای ملی برای بهبود شرایط زندگی زنان	مباحث علمی، ادبی، اجتماعی. مقایسه زنان ایران با زنان دول متمدنه و ترقی آن‌ها و عقب بودن نسوان ایران از مرحله تمدن و چاره برای ترقی زنان ایران

جدول ۲: نشریات زنان در دوره قاجار (مأخذ: نگارندگان)

نام نشریه	سال تأسیس	سردبیر	نوع نشریه	محل نشر	مطالب مرتبط با پوشاک بانوان	مضامین کلی
دانش	۱۳۲۸ق /۱۹۱۰م	خانم کحال	هفتگی	تهران	درج آگهی‌های تجاری در خصوص منسوجات و پوشاک خارجی زنانه که با مخالفت مواجه شد	مسائل خانه‌داری، شوهرداری، بچه‌داری و مباحث پزشکی و بهداشتی مرتبط با آن
شکوفه	۱۳۳۰ق /۱۹۱۱م	مریم عمیدسمنانی	دو هفتگی	تهران	حفظ حجاب تحریم منسوجات خارجی	مسائل اخلاقی، ادبی و مباحث حفظ‌الصحه مادر و کودک تهییج حس وطن‌پرستی و حفظ هویت و استقلال ایران
زبان زنان	۱۳۳۷ق /۱۹۱۹م	صدیقه دولت‌آبادی	دوهفتگی–هفتگی	اصفهان	مخالفت با حجاب	مباحث مربوط به زنان نقد و عملکرد دولت‌های وقت
نامه بانوان	۱۳۳۸ق /۱۹۲۰ م	شهناز آزاد	دوهفتگی–	تهران	تشویق زنان به حمایت از منسوجات داخلی– تبلیغ پوشاک غربی	اخبار ترقی نسوان در کل جهان
عالم نسوان	۱۳۳۸ق /۱۹۲۰م	نوابه صفوی	دوهفتگی	تهران	ارائه مدهای جدید اروپایی	مطالب مطبوعات امریکا و اروپا اخذ نموده و به نظر خانم‌ها می‌رساند. تربیت کودکان، خانه‌داری
جهان زنان	۱۳۳۹ق /۱۹۲۱م	فخرآفاق پارسا	دوهفتگی	مشهد	مخالفت با حجاب	تأکید بر امور زندگی و لزوم تعلیم زنان

دوره سوم قاجار مقارن با حکومت احمدشاه (۱۲۸۸ق/ ۱۳۰۴ش)، مدرنیسم در اندیشه و ظاهر زنان تجلی بیشتری پیدا کرد و اندیشمندان خواسته‌های خود در حمایت از زنان را علناً ایراد نمودند. در این زمان مدرسه‌سازی بسیار رونق گرفت، به‌گونه‌ای که در هر محل تقریباً دو یا سه مدرسه در خانه‌های اجاره‌ای گشوده می‌شد که در آن‌ها دروس ابتدایی از اول تا ششم تدریس می‌شد. اولین مدرسه دخترانه در ۱۳۳۳ق توسط صدیقه دولت‌آبادی تأسیس شد که مدیر آن از فارغ‌التحصیلان مدرسه آمریکایی تهران بود (رهبرنیا و نیک‌جری، ۱۳۹۲: ۱۴۴) تسلط دولت‌های غربی با آغاز جنگ جهانی اول شدت بیشتری پیدا کرد و انگشت‌شمار بودن زنان تحصیل‌کرده ایرانی، به تسریع نقش زنان اروپایی بر افکار زنان ایرانی سرعت بخشید. حضور زنان اروپایی در اندرونی

و آشنایی زنان ایرانی با آزادی‌های مدنی آنان، زنان قاجاریه را از کاستی‌های حق و حقوق اجتماعی‌شان آگاه کرد و آنان به پیروی از ایشان، ظاهر و لباسشان را تغییراتی دادند. عقاید روشنفکران بر احقاق حقوق زنان بیشتر از گذشته در نشریات نوشته می‌شد و در مذمت مردانی که زنان را زیر سلطه قرار داده بودند؛ باب سخن در رابطه با آزادی زنان گشوده شده بود.

از سویی ورود اروپاییان به صنف‌های کاری، خود عاملی دیگر در تأثیرپذیری لباس زنان از نمونه‌های اروپایی بود مانند «ورود خیاطان و طراحان لباس اروپایی مخصوصاً فرانسوی به تهران که به سبک اروپایی برای خانم‌ها لباس می‌دوختند و مشتری فراوان داشتند» (شریعت‌پناهی، ۱۳۷۲: ۲۰۳). انتخاب لباس‌هایی به سبک اروپایی، پارچه‌هایی مخصوص به خود را طلب می‌کرد و به همین ترتیب پارچه‌های زری، ترمه، مخمل و حریرهای اطلس که در تهیه پیراهن، شلوار، شلیته، چادر کمری، ارخالق و قبا استفاده می‌شد جای خود را به پارچه‌های اروپاییِ کرپ، ساتین، وال و ژرژت‌های فرانسوی و ماهوت انگلیسی داد. همچنین، صرفه‌جویی در مصرف پارچه‌هایی که در تهیه بعضی از لباس‌های گشاد قاجار معمول بود به دلیل شرایط بحرانی اقتصادی کشور زمینه را برای استقبال زنان از لباس‌های اروپایی فراهم کرد (تصویر ۳، ۲).

تصویر ۲: نمونه‌ای از یک تصویر عکاسی شده از زنان قاجاری با لباس‌های ایرانی و اروپایی مأخذ: URL 1

تصویر ۳: دو زن در دوره مظفری با پوشش‌های متفاوت (نشریه الکترونیکی موسسه مطالعات معاصر ایران، [۵۲۳۱-۳ع]، شماره ۲۲)

بـدون شـک عکاسـی یکـی از دسـتاوردهای دنیـای مـدرن اسـت کـه تنهـا پـس از سـه سـال از اختـراع آن بـه ایـران وارد شـد. «نخسـتین دسـتگاه عکاسـی کـه بـه ایـران آورده شـد بـه درخواسـت محمدشـاه اوایـل سـال‌های (۱۲۵۵ق/ ۱۸۴۰م) بـه دربـار فرستاده‌شـده [...] ناصرالدین‌شـاه بـه عکاسـی تبدیـل شـد کـه بخـش اعظمـی از وقـت خـود را بـه عکاسـی می‌گذرانـد» (عراقچیـان،۴۶:۱۳۸۹). آشـنایی مـردم ایـران بـا مظاهـر دنیـای مـدرن ازجملـه کارت‌پسـتال از نیمـه دوم قـرن سـیزدهم آغـاز شـد. ایرانیانـی کـه بـه خـارج سـفر کـرده بودنـد بـرای دوسـتان و نزدیـکان خویـش از اروپـا کارت‌پسـتال می‌فرسـتادند و حتـی برخـی از رجـال و سـلاطین قاجـار نیـز در مراسـلات و نامه‌نـگاری بـه ایـران از کارت‌پسـتال بهـره می‌بردنـد. شـیخ بـه ایـن نکتـه اشـاره می‌کنـد کـه «افـراد طبقـه اعیـان ضمـن بازگشـت از سـفرهای اروپایـی عکس‌هـای کارت ویزیتشـان را کـه در کنـار عکس‌هـای مشـاهیر اروپـا در آلبوم‌هـای شـکیل آن دوران جـا داده بودنـد، همـراه خـود می‌آوردنـد» (دلارسـتاقی، ۱۳۹۳: ۶۴) بـه بـاور جهانبگلـو رونـق بیشـتر صنعـت کارت‌پسـتال در ۲۵ سـال آخـر حکومـت قاجـار علاوه بـر تجـاری کـردن عکـس موجـب رونـق عکاس‌خانه‌هـا و حرفـه عکاسـی می‌شـود هم‌چنیـن موجـب رواج عکاسـی در میـان مـردم شـد. (جهان‌بگلـو، ۱۳۸۰: ۱۵۷). بـه نظـر می‌رسـد عکس‌هـای آتلیـه‌ای زنـان قاجـار بـا لبـاس کامـلاً اروپایـی در چیدمـان غربـی نشـان از آن دارد کـه لباس‌هـای زنانـه اروپایـی در ایـن آتلیه‌هـا موجـود بـود و زنـان می‌توانسـتند به‌دلخـواه بـا پوشـیدن آن‌هـا و در صحنـه‌ای اروپایـی از خـود عکـس بگیرنـد (تصویـر ۴).

تصویر ۴: تصویری از عصمت الدوله در آتلیه عکاسی (موسسه مطالعات معاصر ایران، نشریه الکترونیکی، م۳-۵۲۱۶، ش.۲۹).

حضـور غربی‌هـا در کنـار ایرانیـان در دربـار، ادارات و مسـندهای دولتـی باعـث شـده بـود کـه ایرانیـان از آداب و فرهنـگ اروپایـی در لبـاس، خـوراک، وسـایل خانـه و زندگـی الگوبرداری کننـد. حضـور خانم‌هـای اروپایـی و شـیوه‌های رفتـاری و لباس‌هایشـان در مهمانی‌هـای مختلـط الگویـی بـرای زنـان ایرانـی شـد. کولیوررایـس در مـورد تقلیـد کورکورانـه زنـان

ایرانی از لباس اروپایی می‌نویسد: «زنی انگلیسی برایم تعریف می‌کرد که در لاله‌زار، معروف‌ترین خیابانی که مردم تهران برای خرید به آنجا می‌روند، زن ایرانی را دیده که روی لباس معمولی خود، کرست بسته بوده است. [...] اغلب از من خواهش شده است که یکدست از آخرین لباس‌های لندنی خود را به خانم‌های اندرون امانت دهم تا آن را امتحان کنند و اگر برازنده آنان بود، آن را الگو قرار دهند» (کولیور رایس، ۱۳۶۶: ۱۲۳).

بحران در نظم اخلاقی جامعه و رمزگان فرهنگی جدید

با تغییر در شرایط کلان اجتماعی دوره قاجار، نظم اخلاقی جامعه ایران دچار بحران شد و رمزگان فرهنگی جدیدی جایگزین نظم پیشین شد. در دوره اول تاریخ قاجار رویکرد سنتی به حضور زنان و آنچه مربوط به آنان می‌شد، همچون ادوار گذشته در جریان بود. با توجه به این‌که عنصر دین و مذهب در زیرساخت فکری جامعه قاجار نقش عمده‌ای داشت، می‌توان گفت تمام مسائل، نگرش‌ها، ایده‌ها و حتّی تحولات مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و علمی و به‌طورکلی زیرساخت‌های فرهنگی اوایل دوره قاجار از دین تأثیر گرفته بود. بنا بر مستندات پوشاک زنان در اوایل قاجار شباهت بسیاری به دوره‌های پیشین داشت. تغییرات پوشش زنان قاجار در دوره دوم قاجار را می‌توان به دو دوره قبل از سفر ناصرالدین‌شاه به اروپا و پس از سفر ناصرالدین‌شاه به اروپا تقسیم‌بندی کرد. پوشش زنان قبل از سفرهای اروپایی، چنانچه پیش‌تر گفته شد شامل پوشش اندرونی و بیرونی بود و پوشش اندرونی از قطعات مشخصی که شامل سربند، پیراهن، دامن، شلوار و کلیجه بود تشکیل می‌شد. استفاده از جواهر و زیورآلات در میان زنان بسیار رواج داشت و برای هر قطعه از لباس، زیوری خاص که برای همان مصرف نام‌گذاری شده بود، استفاده می‌کردند.

با سفر ناصرالدین‌شاه به اروپا دوران گذار شدت بیشتری به خود گرفت و موج تجددگرایی به پوشش زنان دربار راه پیدا کرد. شاه که خود دستی در هنر داشت تحت تأثیر بالرین‌های اروپا و دامن‌های کوتاهشان سبب تغییراتی در لباس زنان حرم‌سرا شد. شلیته را به‌جرئت می‌توان از ابداعات ناصرالدین‌شاه دانست دامن‌هایی پرچین و کوتاه که گاه برای حالت چتری ایستادن آن از فنر استفاده می‌کردند. «زمانی که ناصرالدین‌شاه در تماشاخانه کاولین سن‌پترزبورگ بالرین‌ها را با شلوار کش‌بافت چسبان و نازک و زیرجامه چتری‌کوتاه به عرض چند وجب روی آن مشاهده کرد، سخت مصمم شد که زنان حرم‌سرا را به این پوشش وادارد و چون عموماً اولین تغییرات کلی لباس از اندرونی شروع و به عوام سرایت می‌کرد، از این‌رو ابتدا زنان اشراف و اعیان و سپس زنان عوام به این پوشش روی آوردند» (ذکاء، ۱۳۳۶: ۲۲). علاوه‌بر شلیته، چادر کمری نیز از ابتکارات این دوره بود که به تقلید از لباس بلند زنان اروپایی طراحی شده بود و به‌وسیله دکمه و سنجاق‌های تزیینی به دور کمر محکم می‌شد شکل ظاهری چادر کمری به‌گونه‌ای بود که در مواقع غیرضروری به پشت سر می‌افتاد تا حالت دامن بلندی به خود بگیرد. «چادر کمری از جنس پارچه‌های زری، مخمل، ترمه، کشمیر و فاستونی‌های فرنگی بود که با دکمه و مادگی و سنجاق به کمر می‌بستند»

(نجمی، ۱۳۹۵: ۴۴) (تصاویر ۶، ۵). اما جالب بقیه قطعات لباس زنان است که به همان سبک سنتی باقی‌مانده بود. پوشش اندرونی را سرپوش (چارقد)، پیراهن، ارخالق، تنبان، کَلیجه، شلوار و جوراب و پوشش بیرونی را نیز چادر، روبنده و چاقچور و کفش تشکیل می‌داد. باوجود ابداع شلیته و چادر کمری، زنان قاجاری میان سنت و تجدد پا در هوا بودند زنانی با دامن‌های پرچین کوتاه و پاهای لخت با جوراب‌های ساق کوتاه و چارقدی بر سر که تصویری ناموزون از زن قاجاری به نمایش می‌گذاشت. به عقیده یحیی‌ذکا «چادر کمری را باید حدفاصل میان لباس قدیم و مدرن زنان به شمار آورد» (ذکاء، ۱۳۳۶: ۳۰).

تصویر ۵: شمایل زن قاجار با چادر کمری (موسسه مطالعات معاصر، ۲۷۵-۱۳۲۷۳م)

تصویر ۶: عصمت الدوله با چارقد و شلیته و تنبان (موسسه مطالعات معاصر، نشریه الکترونیکی، [ع۳- ۵۲۳] ش۲۹)

هرچه که بود زنان درباری که لباس یکی از دغدغه‌های آنان بود تحت تأثیر این نوع پوشش جدید قرار گرفتند. شاید بتوان گفت «اوج تبادل اطلاعات و مشاهده آخرین‌مدل‌ها، سال نو بود که طی ۱۲ روز صدها زن برای ادای احترام به خانواده سلطنتی به دربار می‌آمدند. در چنین روزهایی لباس زنان زیبا و رنگارنگ بود» (شهشهانی، ۱۳۹۵: ۷۷). اگرچه لباس اندرونی زنان دارای بخش‌های متنوعی بود ولی مانند قبل هنگام بیرون رفتن از خانه خود را زیر چادر می‌پوشاندند و همراه با آن از روبنده و چاقچور استفاده می‌کردند و این متحدالشکل بودن امتیاز آزادی حضور در اماکن و بازارها را برایشان فراهم می‌کرد. لازم به ذکر است که «به‌تدریج در تهران چند مغازه‌دار زرتشتی و ارمنی شروع به واردات کفش از اروپا کردند که از آن جمله کفش‌های چرمی سیاه و براق کوچکی به نام قونداره بود. در این زمان پوشیدن کفش روبسته و پاشنه‌دار برای زنان و مردان کاری ناپسند محسوب می‌شد» (لاری، ۱۳۹۲: ۳۴) چراکه بستن پا و درگیر گردن آن در ادای آداب دینی تأخیر ایجاد می‌کرد و از نظر متعصبین دینی مکروه بود. پس از مشروطه تا پایان دوره قاجار با باز شدن فضای سیاسی جامعه و حضور زنان در فعالیت‌های اجتماعی، پوشش زنان بیشتر و بیشتر از لباس سنتی فاصله گرفت و طرح‌های اروپایی، پیراهن‌های یکسره بلند، کت و دامن به کمد لباس زنان خصوصاً قشر روشنفکر افزوده شد. «در این دوره (محمدعلی شاه و احمدشاه) پیراهن‌ها دارای الگوها و برش‌های غربی شدند. پیراهن و چادر نمازی جای خود را به پیراهن‌هایی یک‌تکه و بلند که بلندی آن برحسب مد روز تغییر می‌کرد تغییر دادند. همراه با الگوی پیراهن‌ها جنس آن‌ها نیز تغییر کرد. لباس‌هایی که تا این دوره از ترمه و زری و مخمل و تور و حریر تهیه می‌شدند، تبدیل به لباس‌هایی شدند با پارچه‌هایی از قبیل کرپ ساتین، کرپ‌دوشین، وال، ژرژت و غیره که از کشورهای غربی وارد می‌شدند» (ذکاء، ۱۳۳۶: ۴۰).

رایس در خاطرات خود به زن تحصیل‌کرده ایرانی اشاره می‌کند که علاوه بر این‌که سردبیر یک مجله بود و زبان فرانسه را به‌خوبی می‌دانست، خیاطی هم بلد بود و می‌توانست کت، پیراهن و یا دامن پاریسی بدوزد (کولیوررایس، ۱۳۶۶: ۴۷). گسترش و شکل‌گیری انجمن‌ها و تشکل‌های زنانه، از دلایل دیگری بود که زنان را تشویق به پوشیدن لباس‌های اروپایی می‌کرد. آنچه در این جلسات موردبحث و تبادل‌نظر قرار می‌گرفت علاوه بر احقاق حقوق زنان، نشر افکار تجددگرایانه‌ای بود که بالطبع غرب و فرهنگ غربی در رأس آن قرار داشت. شرکت در تعدادی از جلسات و تشکل‌های زنانه تنها با لباس اروپایی مقدور بود همین‌طور که مردان نیز باید از کت و شلوار و کراوات یا پاپیون به‌جای سرداری و شلوار استفاده می‌کردند. در اواخر دوره قاجار پوشش بیرونی زنان نیز دیگر با جدیت سابق نبود و روی زنان گهگاه باز بود. «دیری نخواهد پایید که چادر از میان خواهد رفت، چه بسیاری از آنان پوشیدن کت و دامن و بر سر کردن روسری ابریشمی بلندی را که بر روی شانه‌های آنان می‌افتد، ترجیح می‌دهند؛ حتی بعضی از آنان هوس کلاه بر سر کردن دارند» (کولیوررایس، ۱۳۶۶: ۳۵). نشریه شکوفه که دیدگاه ملی‌گرایانه- مذهبی داشت در یکی از مقالات خود نوشت: «[...] گویا بعضی خانم‌ها مأمور و مجبورند از کجا و چه جایی، که هرچه زیور، زینت،

آرایش و دلربایی و غمزه دارند در مجامع عمومی و کوچه و بازار و خیابان‌ها و ماشین به خرج مردان اجنبی بدهند» (شکوفه، ۱۳۳۱ق، ش۱۹: ۳) به هر تقدیر زن قاجاری در پایان این دوره، به یک زن شهری با لباس اروپایی تبدیل شده بود بااین‌وجود که پوشش بیرونی را چادر و روبنده البته نه با شدت قبل تشکیل می‌داد. ماهیت کاربردی پارچه‌هایی نظیر ترمه، مخمل و زری که روزی اساس لباس زنان را تشکیل می‌داد به پارچه‌هایی گران‌قیمت و لوکس برای مراسم درباری تغییر پیدا کرد و لباس‌هایی با منسوجات غالباً غربی که هم ارزان‌تر بود و هم از جهت رنگ و نقش متنوع‌تر به نظر می‌رسیدند پوشش روزمره زنان را تشکیل می‌داد (تصویر ۷). واژگانی چون «مد»، «شیک»، «ملحقات لباس» که در اواخر قاجار کاربرد زیادی در نشریات مخصوص به زنان داشت خود مصداق استقبال زنان از مدهای غربی آن زمان است. به تعبیر صادقی «تغییر در پوشش زنان از اواخر دوره قاجار حتی نزد کسانی که چادر بر سر می‌کردند محسوس بود و اگر این روند بدون دخالت پلیسی دولت رضاشاه ادامه می‌یافت، احتمالاً در سال‌های بعد شاهد تنوع پوشش زنان در جامعه بودیم» (صادقی، ۱۳۹۲: ۶۹). بدین ترتیب سرانجام نوع پوشش زنان قاجار در اواخر عهد قاجار به سبک غربی منتهی شد و بدین گونه، نظم اخلاقی سنتی حاکم در آغاز حکومت قاجار با نظم جدیدی که متأثر از غرب‌گرایی بود جایگزین شد.

تصویر ۷: نوع پوشش زنان در خانه متعلق به اواخر دوره قاجاریه (آرشیو موسسه مطالعات معاصر، ۲۷۵-۱۳۱۲۶۳م)

بحث

چنانچه ذکر شد، شکست‌های پی‌درپی نظامی ایران، مقدمه‌ای برای ورود ایران به دنیای مدرن و آغاز اقدامات مدرنیزاسیون و یا اصلاحات شد. بدین ترتیب فضای اجتماعی مناسب برای شکل‌گیری گفتمان‌های فرهنگی جدید فراهم آمد و فرآیند تولید رمزگان فرهنگی جدید (لباس زنان) در پیوند با جنبش‌های تاریخی خاص یعنی مدرنیزاسیون و مشروطه رخ داد. مدرنیزاسیون با تأسیس بافت‌های نهادی مانند مدارس که در آن‌ها

لباس سنتی از تن محصلان به درآمد و لباس اروپایی یا نیمه اروپایی جایگزین آن شد و یا راه‌اندازی نشریاتی که به احقاق حقوق زنان و جایگاه ایشان در جامعه و نوع پوششان می‌پرداخت در تحول پوشش زنان به‌عنوان یکی از ارکان مهم رمزگان فرهنگی و نظم اخلاقی جامعه تأثیرگذار بود. در مشروطه نیز فضای فکری جامعه ایرانی انباشته از دیدگاه‌های متفاوتی در خصوص مسائلی همچون حقوق زنان، جایگاه زن در اجتماع، آزادی، عدالت اجتماعی و غیره شد که افق‌های اجتماعی جامعه آن زمان ایران را شکل می‌هند. زنان نیز تحت تأثیر این بافت گفتمانی متکثر با دیدگاه‌ها و اندیشه‌های تازه در خصوص واقعیت‌های اجتماعی آشنا شدند و مطالبات ایشان و پوشش آنان تابعی شد از ماهیت بافت گفتمانی و افق‌های اجتماعی‌ای که در آن زندگی می‌کردند. بر مبنای نظریه تغییر فرهنگی، تحول در فرهنگ نیازمند وجود منابع است که محیط کلان اجتماعی به‌عنوان «بانک یا ذخیره منابع» در نظر گرفته می‌شود که مالامال از تأثیر مستقیم و غیرمستقیم اروپاییان و نوگرایی است؛ بنابراین به‌واسطه نهادهای جدید، منابع لازم برای ایجاد محصولات فرهنگی جدید ازجمله لباس زنان مهیا می‌گردد چراکه این ترتیبات نهادی منابع را به سمت تولیدکنندگان فرهنگ هدایت می‌کند. به همین سبب دور از انتظار نیست که پوشاک به‌عنوان عنصری فرهنگی، در جریان تجددخواهی دوره قاجار از الگوهای سنتی و قومی حاکم بر پوشاک ایرانی جداشده و شکلی نو به خود بگیرد. در دوره ناصرالدین‌شاه بخش‌هایی به لباس اندرونی زنان افزوده شد که می‌توان آن‌ها را متأثر از غرب‌گرایی یا نوگرایی دوره قاجار تلقی کرد. بر اساس آنچه در این پژوهش موردبررسی قرار گرفت، بارزترین قطعات لباس که تأثیرپذیری از غرب را بازتاب می‌دهند، عبارت‌اند از: شلیته، چادر کمری و کفش. جدول شماره ۳ سیر تحولات لباس زنان قاجار را در دوره اول و دوم نشان داده است.

جدول ۳: لباس زنان در دوره اول و دوم قاجار (مأخذ: نگارندگان)

دوره اول		دوره دوم
پوشش	**اجزا پوشش**	**اجزا پوشش**
	پیراهن	پیراهن با طرح‌های اروپایی
	ارخالق و نیم‌تنه	کت با مدل‌های غربی
	شلوار گشاد	شلوارهای تنگ و چسبان
اندرونی	روسری- کلاهک	چارقد قالبی
	دامن بلند	شلیته-تنبان
	چادرنماز	چادر کمری
		کت و دامن
	چادر	چادر
بیرونی	روبنده	روبنده
	چاقچور	چاقچور
	کفش راحتی-ساغری	انواع کفش با مدل‌های اروپایی

از دیدگاه وسنو تحول در رمزگان فرهنگی در نقاط عطف تاریخی، یعنی تاریخ‌هایی که بیشترین تحولات به وقوع می‌پیوندد رخ می‌دهد. این نقاط عطف در تاریخ قاجار را می‌توان دوران سلطنت ناصرالدین‌شاه و وقوع انقلاب مشروطه دانست. ناصرالدین‌شاه خود از علاقه‌مندان به نوگرایی و دستاوردهای تکنولوژیک آن بود، در دوران طولانی حکومتش تحولات بسیاری را رقم زد، به‌طوری‌که می‌توان شلیته را ابداع شخص وی دانست. انقلاب مشروطه نیز کمال تجلی ملی‌گرایی غرب‌گراست. انقلاب مشروطه را می‌توان نتیجه غرب‌گرایی دانست که به مطالباتی چون احقاق حقوق زنان و آزادی زنان دامن زد که کشف حجاب زنان و پوشش به سبک غربی از پیامدهای آن بود. به عبارتی، ملی‌گرایی یا ناسیونالیسم، تحولی در اندیشه روشنفکران قاجار و چالشی بین سنت و تجدد را به وجود آورد. که برخی هویت خود را در ایران باستان جستجو می‌کردند و برخی دیگر از حامیان نوگرایی به سبک غربی بودند. بنابراین، تحولات ناشی از نوگرایی بر لباس بانوان قاجار را می‌توان به عوامل زیر مرتبط دانست:

۱. الهام از پوشش زنان اروپاییان و ابداع چادر کمری به تأثیر از زنان اروپایی که به دربار رفت و آمد داشتند.

۲. ابداع شلیته به تقلید از دامن بالرین‌ها پس از سفر ناصرالدین‌شاه به اروپا.

۳. واردات لباس و پارچه، جوراب و شلوار و کفش اروپایی، دوخته شدن لباس‌های اروپایی در تهران به‌واسطه حضور مستقیم اروپاییان در دربار و اصناف.

۴. کنار گذاشتن تدریجی لباس سنتی و جایگزینی لباس اروپایی در مدارس جدید.

۵. کمرنگ شدن حجاب و رواج پوشش به سبک اروپایی پس از انقلاب مشروطه.

جدول ۴: تحولات ناشی از نوگرایی و تأثیرات آن را بر حوزه پوشاک بانوان نشان می‌دهد.

جدول ۴: تأثیر نوگرایی در دوره قاجار (مأخذ: نگارندگان)

	ردیف	حوزه‌های تحول	مصداق‌های تحول	تأثیر تحول بر پوشاک بانوان
نوگرایی در دوره قاجار	۱	**اجتماعی**	اقدامات مدرنیزاسیون و تأسیس بناهای عام‌المنفعه مانند مدارس مدرن	کنار گذاشتن لباس سنتی و جایگزینی لباس اروپایی
	۲	**سیاسی**	رفت‌وآمد به دول اروپایی انقلاب مشروطه و احقاق حقوق زنان و پررنگ شدن مباحث پوشش و حجاب	ابداع شلیته به تقلید از دامن بالرین‌ها کم‌رنگ شدن حجاب و رواج پوشش به سبک اروپایی
	۳	**اقتصادی**	واردات کالا از اروپا حضور اروپاییان در اصناف ورشکستگی برخی صنایع داخلی (مانند صنایع پارچه)	واردات لباس و پارچه‌های اروپایی حضور خیاطان اروپایی واردات جوراب و شلوار واردات کفش
	۴	**فرهنگی**	حضور مستقیم اروپاییان در دربار و جامعه و رواج فرهنگ و آداب غربی	الهام از پوشش زنان اروپاییان ابداع چادر کمری
	۵	**اندیشه**	گفتمان ملی‌گرایی یا ناسیونالیسم (باستان گرا و غرب‌گرا)	پوشش به سبک غربی

تصویر ۶: مجموعه عواملی که روند تغییرات اجتماعی دوره قاجار را به تغییر فرهنگی نشان می‌دهد. (مأخذ: نگارندگان)

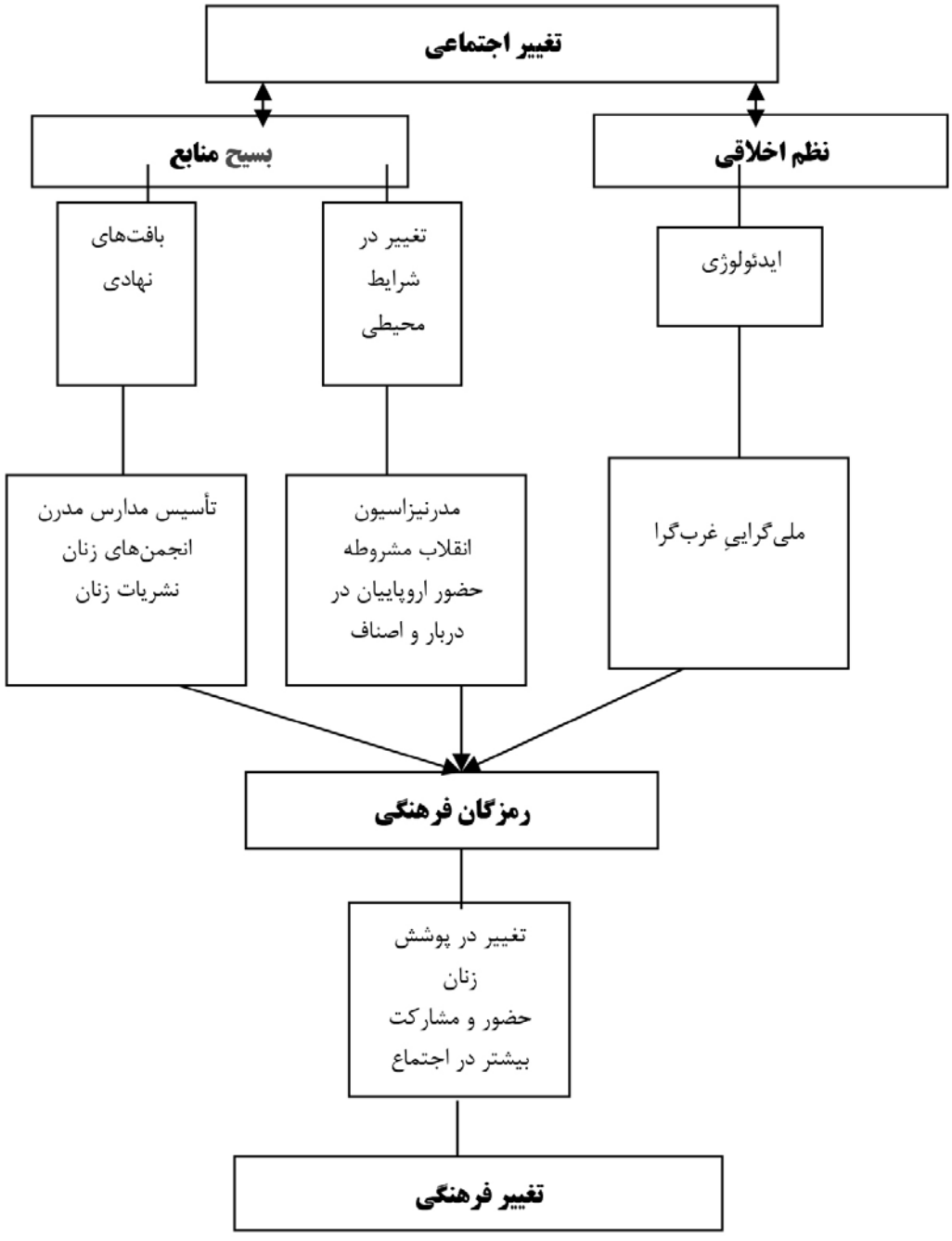

نتیجه‌گیری

چنانچه بر مبنای دیدگاه روبرت وسنو و نظریه‌های جدید تولید فرهنگ و تغییر در رمزگان فرهنگی بنگریم، آنگاه در تبیین ظهور سبک جدیدی از پوشش زنان، باید به مطالعه شرایط خاصی پرداخت که منابع لازم برای تولید این نوع لباس‌ها و فضای

اجتماعی مناسب برای رشد آن‌ها را فراهم می‌آورند.

از این‌رو، در پژوهش حاضر بامطالعه شرایط اجتماعی ایران در دوره قاجار، به تبیین فرآیند نوسازی و اصلاحاتی که این دولت‌ها به‌عنوان برنامه اصلی خود آن را دنبال می‌نمودند و متعاقب آن منابع لازم و فضای اجتماعی مناسب برای شکل‌گیری سبک جدیدی از پوشش زنان را فراهم آورد، پرداخته شد. با ورود مدرنیته به ایران رویکردی دوگانه از سوی شاهان قاجار اتخاذ شد، در آغاز فتحعلی‌شاه به مبارزه با آن پرداخت و بعدها ناصرالدین‌شاه از مظاهر مدرنیته استقبال کرد. یکی از پیامدهای مهم مدرنیته در دوران قاجار تکوین گفتمان ملی‌گرایی یا ناسیونالیسم در میان روشنفکران بود.

بنابراین افق اجتماعی جامعه ایرانی یا چالش مهم اجتماعی، هویت ملی بود. ملی‌گرایی با دو گرایش باستان‌گرایی و غرب‌گرایی که در آخر گرایش غرب‌گرایی بود که بر دیگری سلطه پیدا کرد و در دوران احمدشاه هرچه بیشتر مدرنیسم در اندیشه و ظاهر زنان سیطره یافت.

همگام با تحولات سریع اجتماعی پوشش زنان نیز از این روند اجتماعی بی‌نصیب نماند و تغییرات محسوسی را از خود نشان داد. با بررسی تحقیقات و مستنداتی که از نوع پوشش زنان قاجار موجود است پوشش بیرونی زنان طی دوره قاجار کمترین تغییرات را داشته و حفظ پوشیدگی کامل بدن اولویت مهم در این خصوص بوده است. بیشترین تغییرات در پوشش اندرونی زنان و آن‌هم در ابتدا پس از سفر ناصرالدین‌شاه به اروپا رخ داد. جایگزینی شلیته‌های کوتاه به‌جای دامن بلند، ابداع چادر کمری که تداعی‌کننده لباس‌های بلند زنان اروپایی بود، اولین تغییرات در نوع پوشش اندرونی زنان بود.

به‌تدریج کاربرد منسوجات وارداتی و پس از آن استفاده از لباس‌هایی به سبک غربی (کت و دامن، انواع یقه‌های اروپایی) روند این تحول را شدت بخشیدند. بنابراین عوامل مؤثر در تغییرات پوشش زنان در دو مقطع تاریخی قابل‌بررسی‌اند. مقطع اول در عصر ناصری است که مراوده گسترده غرب و حضور زنان اروپایی در دربار ایران منجر به آشنایی زنان قاجار با نوع پوشش و فرهنگ اروپایی شد.

در این میان مظاهر مدرنیسم ازجمله عکاسی، رواج کارت‌پستال‌های اروپایی و گستره وسیع واردات اجناس غربی تأثیر قابل‌ملاحظه‌ای بر نوع پوشش زنان داشت. مقطع دوم از انقلاب مشروطه به بعد است که منجر به فعالیت‌های اجتماعی زنان شد. شکل‌گیری نهادهای مدرن مانند مدارس و ظهور نشریات مربوط به زنان و بالطبع تبلیغات منسوجات و مد لباس غربی در این نشریات، سیر روند تحولات پوشش زنان قاجاری سرعت بخشیدند.

فهرست منابع

ابـاذری، مانـا، و حبیـب‌الله طیبـی. (۱۳۹۶). «مطالعـه تطبیقـی پوشـاک بانـوان قبـل و بعـد از سـفر ناصرالدین‌شـاه بـه فرنـگ (مطالعـه مـوردی: لبـاس سـنتی و لبـاس تجـدد بانـوان)». **پژوهـش هنـر**. (شـماره ۱۳)، ۳۰-۱۵.

جهانبگلـو، رامیـن. (۱۳۸۰). **ایـران و مدرنیتـه: گفتگوهایـی بـا پژوهشـگران ایرانـی و خارجـی در زمینـه رویارویـی ایـران بـا دسـتاوردهای جهـان مـدرن**. تهـران: گفتـار.

ملکـی دلارسـتاقی، روزبـه. (۱۳۹۳). «بررسـی تأثیـر موقعیـت اجتماعـی عـکاس و مخاطـب در دوره قاجـار». **پایان‌نامـه کارشناسـی ارشـد**. تهـران: دانشـگاه هنـر.

ذکاء، یحیی. (۱۳۳۶). **لباس زنان ایران از سده سیزدهم هجری تا امروز**. تهران: اداره موزه‌ها و فرهنگ‌عامه.

رستمی، الهه. (۱۳۷۹). جنسیت، **اشتغال و اسلام‌گرایی**. ترجمه رؤیا رستمی. تهران: جامعه ایرانیان.

رهبرنیـا، زهـرا و پریسـا نیک‌جـری. (۱۳۹۲). «تأثیـر تحـولات اجتماعـی و فرهنگـی دوره مشـروطه بـر تن‌پـوش مردمـان عصـر قاجـار». **چیدمـان**. (شـماره ۲)، ۱۵۱-۱۴۲.

ساناساریان، الیز. (۱۳۸۴). **جنبش حقوق زنان در ایران**. ترجمه نوشین احمدی خراسانی. تهران: اختران.

سرنا، کارلا. (۱۳۶۲). **آدم‌ها و آیین‌ها (سفرنامه مادام کارلاسرنا)**. ترجمه علی‌اصغر سعیدی. تهران: زوار.

شایگان، داریوش. (۱۳۸۶). **آسیا در برابر غرب**. تهران: امیرکبیر.

شریعت‌پناهی، سید حسام‌الدین. (۱۳۷۲). **اروپایی‌ها و لباس ایرانیان**. تهران: قومس.

شهشهانی، سهیلا. (۱۳۹۶). **پوشاک دوره قاجار**. تهران: فرهنگسرای میردشتی.

صادقی، فاطمه. (۱۳۹۲). **کشف حجاب؛ بازخوانی یک پرونده مدرن**. تهران: نگاه معاصر.

ضیاپـور، جلیـل. (۱۳۴۹). **پوشـاک زنـان ایـران از چهـارده قـرن پیـش تـا آغـاز دوره شاهنشـاهی پهلـوی**. تهـران: وزارت فرهنـگ و هنـر.

عراقچیـان، مهـدی، و محمـد سـتاری. (۱۳۸۹). «عکاسـی قاجـار: نـگاه شـرقی، نـگاه غربـی». **هنرهـای زیبـا-هنرهـای تجسـمی**. (شـماره ۴۲)، ۵۶-۴۵.

قدیمی‌قیـداری، عبـاس. (۱۳۹۳). **تـداوم و تحـول تاریخ‌نویسـی در ایـران عصـر قاجـار**. تهـران: پژوهشـکده تاریـخ اسـلام.

کریمیـان، علـی. (۱۳۹۱)، «حفظ‌الصحـه نسـوان و اطفـال در آینـه نخسـتین نشـریه زنـان ایـران». **دانشـنامه صـارم**. (شـماره ۲)، ۷۱-۶۵.

کولیـور رایـس، کلارا. (۱۳۶۶). **زنـان ایرانـی و راه و رسـم زندگـی آنـان**. ترجمـه اسـدالله آزاد. مشـهد: آسـتان قـدس رضـوی.

گودرزی (دیباج)، مرتضی. (۱۳۸۰). **جستجوی هویت در نقاشی معاصر ایران**. تهران: علمی و فرهنگی.

لاری، مریم. (۱۳۹۲). **راز نگار**. تهران: فرهنگستان هنر.

مهرآییـن، مصطفـی. (۱۳۸۶). «شـرایط تولیـد فرهنـگ، ریشـه‌های ظهـور مدرنیسـم اسـلامی در هنـد، مصـر و ایـران». **پایان‌نامـه دکتـری**. تهـران: دانشـگاه تربیـت مـدرس.

ناهید، عبدالحسین(۱۳۶۰).«زنان ایران در جنبش مشروطه، تبریز: نشر احیا.

نجمی، شیرین. (۱۳۹۵). **پوشاک و زیورآلات بانوان دوره قاجار**. تهران: مگستان.

ماه‌نامه یغما. (۱۳۲۷ق). سال اول، ش ۴ :۳.

جهان زنان. (۱۳۰۰ش). مهر، شماره۲: ۲.

شکوفه.(۱۳۳۱ق). محرم، ش۱۹: ۳

Wuthnow, Robert. (1987). ***Meaning and Moral order***: ***Explorations in Cultural Analysis***. Berkeley: university Of California Press.

Wuthnow, Robert. (1989). ***Communities of Discourse***: ***Ideology and Social Structure in the Reformation***, ***the Enlightenment***, ***and European Socialism***. Cambridge: Harvard Uni. Press.

URL 1: WWW.qudsonline.ir (:cod:272986,1394:11:54)